

# ایران - انگلیس

## عهدنامه تهران

دوازدهم ذیحجه ۱۲۲۹ ق. / بیست و پنجم نوامبر ۱۸۱۴ م.

درآمد:

پس از این که عهدنامه گلستان (شوال ۱۲۲۸ ق. / مارس ۱۸۱۲ م.) به وساطت سرگور اوزلی بین ایران و روس منعقد شد، انگلیس هم می‌خواست در مواد و شرایط عهدنامه‌ای که در مورخه چهارده مارس ۱۸۱۲ (عهدنامه مفصل) با ایران بسته بود تغییراتی بدهد. البته خود سرگور اوزلی که عاقد عهدنامه مزبوره بود ممکن نبود که این تغییرات را بخواهد، بلکه او مجبور بوده جهت عملی شدن نیت دولت متبوعش از ایران خارج شود تا شخص دیگری به عنوان وزیر مختار جدید انگلیس، به ایران بیاید و تغییراتی که لازم بود بدهد. بنابراین، سرگور اوزلی همراه جیمز موریه در اوایل ماه می ۱۸۱۴ م. از تهران خارج شده به طرف مرز ایران و روس حرکت کردند و موریه پس از بدرقه اوزلی، به سوی تبریز برگشت. پس از عزیمت سرگور اوزلی، در چهاردهم اوت ۱۸۱۴ م. مسترالیس Mr Ellis به عنوان وزیر مختار جدید انگلستان وارد ایران شد. مسترالیس به همراه جیمز موریه ۲ پس از ورود به تهران و دیدار با میرزا محمد شفیع، صدراعظم ایران، تغییر بعضی از فصول عهدنامه‌ای را که توسط سرگور اوزلی بین دولتین ایران و انگلیس منعقد شده بود تقاضا نمود. فصول عمده‌ای که قرار بود تغییراتی در آنها داده شود یکی ایجاد قوای بحری برای دولت ایران بود در بحر خزر، دیگری در باب مشاقق و معلّم نظامی بود که در عهدنامه مفصل مخصوصاً قید شده بود که دولت انگلیس یک عده صاحب منصبان نظامی برای تعلیم تشون ایران در اختیار دولت ایران

۱. در مورد اتمام مأموریت سرگور اوزلی در ایران و بازگشت او به انگلستان از راه روسیه رک: محمود ۱۸۱/۱ به بعد؛ نیر رک: طاهری ۴۸۲/۱ به بعد.
۲. جیمز موریه که بعد از رفتن اوزلی وظایف مختاری دولت انگلیس در ایران را به عهده داشت تا ایروان به پیشباز رفته بود، ایس به محض ورود به ایران مریض شد و چیزی نمانده بود که به هلاکت برسد... رک طاهری ۴۹۹/۱.

بگذارد، موضوع دیگری که تغییر آنرا لازم می‌دانستند ماده‌ای بود که مربوط می‌شد به دادن مبلغ دوست هزار تومان در سال به دولت ایران.<sup>۳</sup>

ولی بمقیده محمدتقی لسان الملک علت آمدن الیس به ایران تغییر دو فصل از فصول عهدنامه مفصل بود: یکی آن که نام ولیعهد در عهدنامه معین نشود و دیگر آن که هر سال معادل دوست هزار تومان که بر ذمت دولت انگلیس بود تسلیم کاردان ایران کنند.

در مواد دوم و سوم معاهده مفصل (۱۲۲۷ق. / ۱۸۱۲م.) هیچ قید و شرطی راجع به مفاد این مواد، یعنی عدهٔ قشون برای مساعدت به ایران یا عوض آن سالیانه دوست هزار تومان وجه تقد ذکر نشده بود، اما در این عهدنامه یک شرط و قیدی قایل شدند که موضوع را یکلی خنثی کرده؛ چنانچه در آخر مادهٔ چهارم همین عهدنامه عبارت زیر اضافه شده:

«و اگر دولت علیهٔ ایران قصد ملکی خارجی از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت با طایفه [ای] از طوایف فرنگستان نموده باشد امداد مذکوره از جانب دولت بیهیة انگلیس به هیچ وجه داده نخواهد شد و...»

به عقیدهٔ مرحوم محمود محمود معلوم نیست برای اولیای امور ایران در این تاریخ چه پیش آمدی نموده است که راضی به تغییر مواد عهدنامهٔ سرگرواوزلی شده‌اند. هیچ دلیلی در بین نیست حتی در جایی هم دیده نشده چه باعث شده است که این مواد را حاضر شده‌اند تغییر بدهند. تنها فرقی که عهدنامهٔ تهران با معاهدات قبلی ایران با انگلیس دارد این است که میالغ حقوقی را که می‌بایست دولت ایران به صاحب‌منصبان انگلیس که وارد خدمت آن می‌شود بپردازند حذف کرده‌اند. دیگر آن که قید دوستی و نزدیکی عباس میرزا ولیعهد ایران با دولتهای دیگر را برداشته‌اند و معلوم نیست چه شده است که این پشتیبانی از عباس میرزا را نیز از میان برده‌اند.

□

پاره‌ای از مؤرخان ما به غلط پنداشته‌اند که سرگور اوزلی عهدنامهٔ ۱۸۱۲م. [به عهدنامهٔ مفصل] را به لندن برد و هنری الیس همان عهدنامه را با تغییراتی چند بازگردانید. حقیقت مطلب این است که پیمان ۱۸۱۲م. با همه کوششهای سرگور اوزلی مقبول نظر وزارت امور خارجهٔ انگلیس نیفتاد و انگیزهٔ واقعی بریتانیا در پیشنهاد جدید آن بود که هرچه در عهدنامهٔ مفصل مایهٔ تیرگی روابط میان انگلیس و روس باشد از میان بردارد. به همین سبب هنگامی که هنری الیس به تهران رسید و نغمهٔ پیمان جدیدی را ساز کرد، طبعاً واکنش فتحعلی شاه و دربارانش جز شگفتی چیز دیگری نبود... اما اکنون از زبان سفیر جدید می‌شنیدند که آن پیمان «بواسطهٔ عدم رعایت پاره‌ای تشریفات قانونی» به تصویب دولت انگلیس نرسیده و به همین سبب وجود عهدنامهٔ سومی ضرورت پیدا کرده است...<sup>۵</sup>

۳. محمود ۱/۱۹۶.

۴. همان ۱۹۷.

۵. ظاهری ۱/۵۰۱ به بعد.

در هر حال، عهدنامه سوم ایران - انگلیس در دوازدهم ذیحجه ۱۲۲۹ ق. مطابق بیست و پنجم نوامبر ۱۸۱۴ م. مشتمل بر یازده فصل که در سه مورد با عهدنامه ۱۲۲۷ ق. / ۱۸۱۲ م. تفاوت‌های فاحشی داشت منعقد شد. تفاوت‌ها یکی در موضوع کمک به ایران برای ساختن ناو، دوم موضوع مشاوران نظامی که به اصطلاح آن روزی «معلمان و مشاگان» خوانده می‌شدند، و سوم درباره کمک مالی بریتانیا و نحوه آن بود.

به موجب فصل اول عهدنامه جدید، مثل عهدنامه قبلی، عهدنامه‌های ایران با همه کشورهای اروپایی باطل و بی اعتبار می‌شد. به عبارت دیگر «ایران ملزم به سرایداری حریم هندوستان و بنادر هند و پاسداری از منافع و مصالح دولت انگلیس در برابر دیگر دول اروپایی بود.»<sup>۶</sup> فصول دوم و سوم، درباره عدم مداخله انگلیس در امور داخلی ایران بود. فصل چهارم، درباره میزان کمک مالی انگلیس (دویست هزار تومان) و حق نظارت سفیر انگلیس در نحوه خرج کردن آن بود. طبق فصل پنجم، ایران مجاز بود از دولی که با انگلیس در جنگ نباشد مشاور نظامی و مریمی استخدام کند. فصل ششم انگلیس را مکلف می‌کرد که در صورت بروز جنگ بین ایران و یک کشور اروپایی واسطه صلح باشد. در فصل هشتم، ایران در موضع فرمایشی و چماقدار دولت انگلیس علیه افغانه نشانده می‌شود و ملزم به امداد و اعانت دولت انگلیس در جنگ احتمالی افغانه است، در صورتی که همین دولت انگلیس در فصل نهم، خود را از خطر درگیری در جنگ احتمالی ایران و افغان رهانیده و گوید:

«... اولیای دولت بهیته انگریز را در آن میان کاری نیست.»<sup>۷</sup>

فصل دهم، حاکی از تعهد دولت انگلیس به بازپس دادن یاغیان و شورشیان دولت ایران بود و نحوای فصل یازدهم درباره کمک انگلستان در خلیج فارس به ایران بود. به قول دکتر ابوالقاسم طاهری، نظری هر چند سطحی به فصول یازده گانه این پیمان، بی اختیار خواننده را به یاد آن داستان می‌اندازد که یکی از کف تا بام خانه بابا را سهم خود بشمرد و از بام خانه تا به ثریا را از آن برادرش داند.<sup>۷</sup>

۶. مهید، ۱۵۶.

۷. طاهری ۱/۵۰۵.

صورت عهدنامه که با دولت بهیة انگلیس در دفعه ثانی بتوسط  
مستر «الس» ایلچی دولت بهیة مزبوره بسته شده.

## فهرست مندرجات

مقدمه

- فصل اول - در باب تعهد دولت علیه ایران به ممانعت عبور طوایف فرنگ از ایران به  
قصد بنادر هندوستان.
- فصل دویم - مودت و یگانگی، عدم مداخله دولت بهیة در امور داخله ایران.
- فصل سیم - در باب امداد دولتی طرفین.
- فصل چهارم - در باب امداد انگلیس به دولت ایران در صورت وقوع محاربه  
فیما بین دولت علیه ایران با دول فرنگ.
- فصل پنجم - در باب استخدام معلّم نظام.
- فصل ششم - در باب اهتمام صلح فیما بین دولتی ایران و فرنگ بتوسط دولت بهیة  
انگلیس.
- فصل هفتم - در باب تنخواه مواجب قشون.
- فصل هشتم - در باب نقش دولت علیه ایران در جنگ احتمالی فیما بین دولت بهیة با  
افغانه.
- فصل نهم - در باب نقش دولت بهیة در جنگ احتمالی فیما بین دولت علیه با افغانه.
- فصل دهم - در باب یاغبان و فراریان دولت علیه به خاک انگلیس.
- فصل یازدهم - در باب عبور سفاین جنگی انگلیس.

- اما بعد، این خجسته اوراق دسته گلی است از گلزار بی خار و فاق رسته و به دست اتفاق و کلاء حضرتین ستیّین بهیّتین به رسم عهدنامه مفصل بر طبق ما صدق و خلوص پیوسته می گردد.

چون قبل از این که عالی جاه زبده السفرا سر هر فرد جانس برونّت از جانب دولت بهیّة انگلیس به جهت تمهید مقدمات یکجھتی دولتین علیّین وارد دربار سپهر اقتدار شہریاری شده بود و عهدنامه مجملی فیما بین وکلای دولت علیّه ایران، اجل الکُفّات الفخام، فخرالصدور والاحتشام، جناب میرزا محمّد شفیع صدر اعظم و امیرالامراء الکرام المؤمن الحضرۃ العلیّۃ العالیہ، امین الدّولة البھیّۃ السنیّہ، قواماً للعرّۃ و النباهہ، نظاماً و النبالہ، جناب حاجی محمّد حسین خان مستوفی الممالک دیوان معظم با مشارالیه که وکیل و سفیر دولت بهیّة انگلیس بود، بشروط چند که توضیح و تبیین آن به عهدنامه مفصل رجوع شده، مرقوم گردیده بود و عهدنامه مزبوره علی شرایطها به تصدیق و امضای دولت بهیّة انگلتره مصدّق و ممضی آمد، بعد که عالیجاه رفیع جایگاه، عزت و فخامت همراه، شہامت و صداقت اکتناه، فطانت و درایت آگاه، دولتخواہ بلااشتباہ، سرموراوزی ایلچی بزرگ دولت مزبوره برای اتمام عهود و انجام مقاصد حضرتین شرفیاب التزام درگاہ خلائق پناه پادشاهی گردید، از جانب فرخنده دولت وکیل و کفیل در باب مهمّات یکجھتی بود و وکلای این همایون حضرت قاهره به صلاح و صوابدید عالیجاه مشارالیه عهدنامه مفصله، مشتمله بر عهود و شہود معینہ مرقوم و مشروح ساخته، بعد از آنکه عهدنامه یکجھتی و اتحاد مزبور منظور اولیای دولت بهیّة انگلتره گردید، چند فصل از آن را با تغییرات چند به مقتضای مراسم یکجھتی و اتحاد دولتین علیّین، آنسب دانسته عالی جاه هنری اس [۱] را روانه و طیّ نامه دوستانہ خواہشمند تغییرات مزبوره گردیده، لهذا جناب جلالتمآب صدر معزی الیه و عمدة الکبراء الفخام و زبده الاعیان العظام، نایب الوزارہ، میرزابزرگ قائم مقام [۲] و معتمدالدولة العلیّہ و مؤتمن السدّة السنیّہ، میرزا

عبدالوهاب [۳] منشی الممالک، وکلاء دولت علیّه ایران با عالیجاه فخامت اکتناه، اصالت همراه، فطانت و ذکاوت همراه، شهامت و بسالت دستگاه، مجدت و نجدت انتباه، عزّت و رفعت پایگاه، دولتخواه بلاشتباه، عمده الاعظم المسیحیّه و زبده الافاخم العیسویّه مستر موریه [۴] ایلچی جدید دولت بهیّۀ انگلتره و عالیجاه مشارالیه شروع در تفصیل شروط و عهود کرده، مقاصد معاهده میمونه از قراری است که بعد از تغییرات مزبوره در فصول یازده گانه لاحقّه شرح داده خواهد شد [۵] و امور متعلقه به تجارت و معاملات مملکتین از قرار است که در عهدنامه تجارتنامه جداگانه لاحقّه شرح داده خواهد شد [۶].

فصل اوّل - اولیای دولت علیّه ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه فیروز هر عهد و شرطی که به هر یک از دولتهای فرنگ که با دولت بهیّۀ انگلتره در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته‌اند باطل و ساقط دانند و لشکر سایر طوایف فرنگیان را از حدود متعلقه به خاک ایراه راه عبور به طرف هندوستان و سمت بنادر هندوستان و سمت بنادر هند ندهند و احدی از این طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت بهیّۀ انگلتره باشد، نگذارند که داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور به مملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیان و اعیان آن ممالک را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبوره باز دارند، خواه از راه تخویف و تهدید، و خواه از روی رفق و مدارا. [۷].

فصل دویم - چون این عهد خجسته که در میان دو دولت ابد مدّت به دست صدق و راستی بسته آمد امید چنان است که به خواست خداوند یگانه از هر گونه تغییر و تبدیل مصون و روز بروز ملزومات و مقتضیات یکجہتی و یگانگی در میانه افزون و پیوند موافقت و مواحدت در میان این دو پادشاه جم جہ فلک دستگاه - زاده‌مالله ملکاً و سلطناً - و ولیعهد و فرزندان و احفاد امجاد ایشان و وزراء و امرا و ولّات و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالاباد برقرار و استوار باشد.

پادشاه و الاجاه انگلیس قرارداد می‌نماید که اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیما بین شاهزادگان یا امراء و سرداران، مناقشتی روی دهد دولت بهیّۀ انگلیس را درین میان کاری نیست تا شاه وقت خواهش نماید و احياناً اگر احدی از مشارالیهم ولایتی و

جایی از خاک متعلقه به ایران را به آن دولت بیهیته بدهند که به إزاء آن کمک و اعانتی نمایند هرگز اولیای دولت بیهیته انگلیس به این امر اقبال نکرده پیرامون آن نخواهد گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقه به ایران هرگز نخواهند نمود.

فصل سیم - مقصود کلی از این عهدنامه آن است که دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کمک به یکدیگر نمایند به شرطی که دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور این است که: از امداد جانبین به یکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم گردند و این عهدنامه محض از برای رفع سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه به خود و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه به هرکس از دولتین ایران و روس از قرار است که به استصواب و اطلاع و کلاء دولت علیّه ایران و انگلتره و دولت روس بعد از این مشخص و معین خواهد گشت [۸].

فصل چهارم - چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیما بین دولتین علیتین بسته شده قرارداد چنین است که اگر طایفه ای از طوایف فرنگیان به ممالک ایران به عزم دشمنی بیایند و دولت علیّه ایران از دولت بیهیته انگلیس خواهش امداد نماید، فرمانفرمای هند از جانب دولت بیهیته انگلیس خواهش مزبور را به عمل آورد و لشکر بقدر خواهش با سردار و اسباب و اساس جنگ از سمت هندوستان به ایران بفرستد و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد به عوض آن از جانب دولت بیهیته انگلیس مبلغی وجه نقد که قدر و قرار آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیما بین دولتین قوی شوکتین بسته می شود، معین خواهد شد. الحال مقرر است که: مبلغ و مقدار آن دوپست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیّه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده، در نزاع و جنگ سبقت با طایفه [ای] از طوایف فرنگستان نموده باشد، امداد مذکوره از جانب دولت بیهیته انگلیس به هیچ وجه داده نخواهد شد و چون وجه نقد مزبوره برای نگاه داشتن قشون است ایلچی دولت بیهیته انگلیس را لازم است که از رسیدن آن به قشون مستحضر و خاطر جمع گردد و بداند که در خدمات مرجوعه صرف می شود [۹].

فصل پنجم - هرگاه اولیای دولت علیّه ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام

فرنگ، معلّم به ایران بیاورند مختارند که از مملکتی از ممالک فرنگ که با دولت بهیّۀ انگلتره نزاع و جدال نداشته باشد معلّم بگیرند.

**فصل ششم -** اگر کسی از طوایف فرنگ، که در حالت مصالحه با دولت بهیّۀ انگلیس می‌باشد، نزاع و جدال با دولت علیّۀ ایران نمایند پادشاه و الاجاه انگلستان کمال سعی و دقت نمایند که فیما بین دولت علیّۀ ایران و آن طایفه نیز دفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نیفتد، پادشاه ذیجاء انگلستان به طریقی که مرقوم شده از مملکت هند عساکر و سپاه به کمک ایران مأمور کند و یا اینکه دوست هزار تومان مقرّره را برای خرج عساکر و سپاه و غیره کارسازی نمایند و این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیما بین دولت علیّۀ ایران و آن طایفه باشد و اولیای دولت علیّۀ ایران صلح ننمایند مضایقه ننماید.

**فصل هفتم -** چون قرارداد مملکت ایران این است که موجب قشون شش ماه به شش ماه داده می‌شود، قرار داد تنخواهی که به عوض عساکر از دولت بهیّۀ انگلیس داده می‌شود، چنین شد که: تنخواه مزبور را ایلچی آن دولت بهیّۀ هرچه ممکن شود زودتر و پیش‌تر مهّم سازی نماید. [۱۰]

**فصل هشتم -** هرگاه طایفه افغانه را با اولیای دولت بهیّۀ انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت علیّۀ ایران از این طرف لشکر تعیین کرده، به قسمی که مصلحت دولّین باشد به دولت بهیّۀ انگلیس امداد و اعانت نماید و وجه اخراجات آن را از اولیای دولت بهیّۀ انگلیس بگیرند از قراری که اولیای دولّین قطع و فصل خواهند کرد.

**فصل نهم -** اگر جنگ و نزاعی فیما بین دولت علیّۀ ایران و افغان افتد اولیای دولت بهیّۀ انگلیس را در آن میانه کاری نیست و به هیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد، مگر اینکه به خواهش طرفین واسطه صلح گردند.

**فصل دهم -** اگر از رؤسای ایران کسی خواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار به ولایت انگلیس نماید باید به محض اشارتی که از جانب امنای دولت ایران بشود آن کس



را از ولایت مزبوره بیرون کنند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتی که پیش از رسیدن آن کس به ولایت مزبوره اشارتی از امضاء دولت علیّه ایران درباره او به حاکم آن حدود رسد، آن کس را رخصت فرود آمدن ندهند و بعد از ممانعت اگر آن کس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند و همچنین معلوم است که از جانب دولّین شرایط فصل از طرفین استقرار پذیرفته است.

فصل یازدهم - اگر در بحرالمجم دولت علیّه ایران را امدادی ضرور شود، دولت بهیّه انگلیس به شرط امکان و فراغ بال در آن وقت کشتی جنگی و قشون بدهند و اخراجات آن را موافق برآورد آن وقت بگیرند و کشتیهای مزبور بر آن خورها و لنگرگاهها عبور کنند که امضاء دولت علیّه ایران نشان بدهند و از جای دیگر بی رخصت و ضرورتی عبور نکنند.

#### خاتمه:

ما که وکلای حضرتین علیّین می‌باشیم این عهدنامه مفصله را که سابقاً فیما بین دولّین علیّین به فصول دوازده گانه نگارش یافته، حال به تعبیرات چند که منافی دوستی و یکجبهتی دولّین علیّین نبود و به صلاح حضرتین آنسب می‌نمود، در فصول یازده گانه تعیین و تقریر و تحریر یافته، دستخط و مهر گذاشتیم. به تاریخ دوازدهم شهر ذیحجه الحرام سنه یک هزار و دو بیست و بیست و نه هجریه مصطفویه، مطابق بیست و پنجم ماه نوامبر سنه یک هزار و هشتصد و چهارده عیسویه. تحریر آ فی دارالخلافة طهران - صانها الله تعالی عن الطوارق الحدّثان.

#### توضیحات عهدنامه تهران

(۱) هنری الیس یا هنری الیس H. Ellis: یکی از سیاستون انگلیسی بود که در ۱۴ اوت ۱۸۱۴ م. بعنوان وزیر مختار جدید انگلستان از راه روسیه وارد سرحد ایران شد. در ابتدای ورود چون آب و هوای ایران به مزاج او سازگار نبود بیمار گردید و مجبور شد چندی با همراهان در سرحد

متوقف شود تا بهبود حاصل کند. همین که حال وی خوب شد به طرف تبریز حرکت کرد ولی عدهٔ بیماران در میان همراهان وزیر مختار رو به ازدیاد گذاشت و از سی نفر سوار هندی اسکورت وی دو نفر فقط سلامت وارد تبریز شده و باقی همه ناخوش شده بودند. وی به محض ورود به تبریز مورد استقبال عباس میرزا قرار گرفته سپس عازم تهران گردید و در آنجا با میرزا محمد شفیع در مورد تغییرات بعضی مواد عهدنامهٔ مفصل به توافق رسیدند. ایس در اوایل سلطنت محمد شاه مجدداً مأمور ایران گردید تا جهت انعقاد یک معاهدهٔ تجارتنی وارد مذاکره گردد که مورد قبول میرزا ابولقاسم قائم مقام قرار نگرفت. مأموریت دیگر ایس در مسافرتهایش به ایران اجرای نقشهٔ تضعیف ایران و جلوگیری از تهاجم روس به هندوستان بود که مهم‌ترین وسیله جهت رسیدن به مقصود بیدار کردن فتنه‌های خوابیده بود.<sup>۱</sup>

۲) میرزا بزرگ قائم مقام: میرزا بزرگ فراهانی فرزند میرزا حسن به سال ۱۲۱۳ ق. به وزارت عباس میرزا نایب السلطنه از تهران به تبریز رفت و در سال ۱۲۲۴ ق. عنوان قائم مقام یافت. جیمز موریه در سفرنامهٔ اول خود می نویسد: «میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به نظر من بزرگترین مردی است که من در ایران دیده‌ام. اگرچه میرزا بزرگ در تبریز اسماً قائم مقام میرزا محمد شفیع صدر اعظم بود، ولی به علت آنکه تبریز در این ایام مرکز حقیقی سیاست ایران به شمار می‌رفت، زحمت بسیاری از مسایل سیاسی و نظامی این ایام ایران به گردن او بوده. تمام اصلاحاتی که در زمان عباس میرزا در ارتش ایران و سایر شئون اداری به عمل آمد در اثر تدبیر و توصیه و سفارش این وزیر بلند نظر بود. انتظام ارتش بر طبق اصول جدید اروپا، اعزام اولین دستهٔ محصلین به خارج از ایران از جمله کارهای اساسی و مفید این مرد بزرگ بود.<sup>۲</sup> مرحوم میرزا بزرگ قائم مقام در اواخر عمر به علت ضعف چشم نابینا شده بود و به هیچ وجه از عهدهٔ خواندن و نوشتن بر نمی‌آمد و هیچ میل نداشت که همه کس از این علت که بر او عارض شده بود اطلاع یابد<sup>۳</sup>... بالاخره میرزا بزرگ در سال ۱۲۳۷ ق. به بیماری وبا در تبریز درگذشت.

۳) میرزا عبدالوهاب: میرزا عبدالوهاب اصفهانی ملقب به معتمدالدوله و متخلص به نشاط از ادباء، فضلاء، شعراء، خوشنویسان و منشیان درجهٔ یک محسوب بوده و در دورهٔ سلطنت فتحعلیشاه قاجار در سال ۱۲۲۴ ق. به جای میرزا رضا قلی نوایی منشی الممالک به سمت منشی الممالک (ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی) منصوب و... تا اوایل جنگ ایران و روس (۱۲۴۱ ق) در سمت مزبور باقی بود. مرحوم نشاط از مخالفین سرسخت جنگ دوم روس و ایران بود و استدلالش این بود که ما توانایی جنگ با روسیه را نداریم و بهر وسیله‌ای که شده از راه صلح با او در آئیم، لکن چون سیاست دولت خارجی دیگر [انگلیس] مبنی بر این بود که باید حتماً با دولت روسیه جنگ بشود و ایران در

۱. آجودانپاشی ۱۶۵.

۲. صدرالتواریخ ۶۱.

۳. روضة الصفا ۱۱۶/۱۰.

اثر جنگ ضعیف و ذلیل شده دیگر یاد هندوستان نکند، این بود که جنگ شد و ایران مغلوب و منکوب و بلا شرط تسلیم به عقد معاهده کذایی ترکمانچای شد.<sup>۴</sup>

۴) جیمز موریه (James Morier): سفیر دولت انگلیس ۱۸۱۰ - ۱۸۱۶ م. که تجربیات و مطالعات خویش در ایران را به شکل رمانی به نام حاجی بابا به چاپ رسانید و در سال ۱۸۴۹ در شهر برایتون درگذشت.<sup>۵</sup>

۵) در صدراالتواریخ در این مورد آمده: «سه هزار و دوست و بیست و نه، عهدنامه‌ای را که در هزار و دوست و بیست شش [ظ: نهم صفر ۱۲۲۷] سفیر انگلستان سرگوراوزلی را بادولت ایران بسته بود و به لندن برده بود که به امضاء برساند، در این سه آن عهدنامه را هنری الیس به ایران آورده، فصلی از آن عهدنامه را برداشته، یازده فصول دیگر را که امضاء شده بود به نظر اولیای دولت رسانیده بتوسط میرزا شفیق صدراعظم و نایب الوزاره میرزا بزرگ قایم مقام و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی الممالک این عهدنامه ممضی شد و در خاتمه نوشتند: «ما که وکلای حضرتین علیتین می‌باشیم، این عهدنامه را به فصول یازده گانه تحریر کرده دستخط و مهر گذاشتیم...»<sup>۶</sup>

۶) اما عهدنامه تجارتمی که وعده انعقاد آن از طرف انگلیس به دولت ایران داده می‌شود، مدت‌های مدید به تعویق می‌افتد و نخستین عهدنامه تجارتمی که بین دولتین منعقد می‌شود مربوط می‌شود به سال ۱۲۵۷ ق. / ۱۸۱۴ م. یعنی درست ۲۸ سال بعد از انعقاد پیمان نامه تهران.

۷) این ماده در حقیقت جواب معاهده ایران و فرانسه بود که در تاریخ ۲۵ صفر ۱۲۲۲ ق. / ۴ مه ۱۸۰۷ م. میان فتحعلی شاه و ناپلئون در فینکن اشتاین<sup>۷</sup> منعقد شده بود. باید دانست که در موقع انعقاد معاهده تهران (۱۲۲۹ ق. / ۱۸۱۴ م.) میان دولتین ایران و انگلیس هنوز هم خطر ناپلئون در اروپا بکفی از بین نرفته بود و دولت انگلیس همچنان به فعالیت خود بر ضد دشمن دیرینه‌اش ناپلئون در اروپا و آسیا ادامه می‌داد و اطمینان نداشت که ممکن است جنگهای اروپا به نفع انگلستان خاتمه پذیرد، باصطلاح قضایای ۱۸۱۵ م. شکست ناپلئون را پیش‌بینی نمی‌کرد.<sup>۸</sup>

۸) منظور اساسی انگلیسی از گنجاندن این ماده در عهدنامه تهران این بود که بتوانند از هجوم روسها به ایران جلوگیری کرده و نفوذ روز افزون آنها در دربار دولت ایران را تعدیل نمایند، به همین مناسبت از تاریخ انعقاد این عهدنامه به بعد سیاست انگلیس براساس حفظ استقلال و حاکمیت ایران در مقابل تجاوزات روسها قرارگرفت، اما در عین حال سعی می‌کردند ایران را در حال ضعف و فاقد قدرت عمل نگه دارند تا نتواند خطری برای منافع آن دولت در افغانستان و هندوستان ایجاد کند.

۴. بامداد، ۳/۱۸، نیز جهت کسب اطلاع بیشتر رک: طاهری، جلد اول فصول ۱۳ و ۱۴.

۵. آجودانباشی، ۱۶۸.

۶. صدراالتواریخ، ۶۳.

۷. رک: عهدنامه فینکن اشتاین در همین مجموعه.

۸. بینا ۱۸۹.

گردآورنده:  
شاهین کاویانی

